

عنوان مقاله:

بنیاد مشترک دین و هنر بر حقیقت گرایی

محل انتشار:

ماهنامه شباک، دوره 4، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

مجتبی عطارزاده - دانشیار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان

خلاصه مقاله:

تلاش انسان برای یافتن حقیقت، از دیرباز چنان گرایشی قوی نمود داشته است. انسان در این راستا با بهره گیری از استعداد و توانمندی های خاص خود به خلق آثاری مبادرت نموده که به زعم برخی اندیشمندان حکایتی ناقص از محسوسات بشری است و چون در فراخنای تقلید و گرته برداری وارد گشته، از واقعیت اصیل که بازتاب حقیقت می باشد، دور مانده است. هرچند چشم انداز معطوف به تقلید در قالب هنر، میل حقیقت گرایی انسان را بی پاسخ می گذارد، اما گریز از شیء پنداری آثار تراویده از ژرفای وجود انسان و آنها را برآیند وجود موجودی ذیشعور پنداشتن و در نتیجه گشودن راهی از حقیقت به هنر، رویکردی بدیع در این عرصه بشمار می رود که طی آن هنر بستری برای امکان تحقق حقیقت شناخته می شود. گشودن افق های ناشناخته و تحقق مقوله حقیقت نهفته در وجود بشر، در توان او نیست. هنری که این عجز و ناتوانی را آشکار سازد، حیرت و شگفتی از تنهایی در پیمایش مسیر حقیقت یابی را بر خواهد انگیزد. هرچند که بشریت با گسستن تعلقات دروغین، این واقعیت را در ژرفای وجود خویش کشف می کند، اما در عرصات طرح علم به عنوان مقوله ای توانمندساز، این مهم به فراموشی سپرده می شود و التذاذ از آفرینش های هنری به جای مظهریت حقیقت می نشیند. دین به عنوان پاسخی به نیاز ذاتی حقیقت گرایی انسان، به جای توجه و عنایت به مفاهیم، معانی و حقایق را وجهه همت خود قرار می دهد و بدین گونه با هنر به مفهوم مواجهه با حقیقت امور و بازیابی آن در وجود، بستری مشترک می یابد. این رویکرد متعالی معطوف به وارستگی و آزادگی در هدایت قوه خیال به مبادی عالیه که به نفی خودیت و انانیت میانجامد، مبنای نگرش اسلامی به هنر را تشکیل می دهد.

کلمات کلیدی:

زیبایی، قوه خیال، ظهور حقیقت، حواس بشری، هنر قدسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/820759>

